

بازگویی و گزارش پاره‌هایی پندآمیز از نثرهای کهن پارسی (۲)

علی باقریان

محمد بن جریر طبری (ف. ۳۱۰)، نویسنده آن تاریخ میسوط که در یادداشت پیشین به او پرداختیم، اثر غلیظ دیگری (در سه هزار برگ) به نام جامع‌الآیین عن تأویل آی القرآن، هم دارد که به تفسیر طبری، مشهور است. یک اثر جامع و توانمند در تفسیر قرآن که شاید حتی مهم‌تر از «تاریخ طبری» باشد. خوشبختانه، از نیمه دو چهارم هجری، یعنی ایام فرمانروایی همان منصور بن نوح سامانی (ف. ۳۶۵) که دستور به ترجمه «تاریخ طبری»، داد، تفسیر مفصلی به فارسی هم باقی است که آن را به نام «ترجمه تفسیر طبری» می‌شناسیم. اما دهه‌هاست که محققان به تائید کرده‌اند که این متن فارسی ترجمه‌ای یا حتی ترجمه‌وار است از متن عربی نیست. اثر اثری از گروهی از علمای ترجمه (ناجیه‌ان از آسیای مرکزی، بین آمودریا و سیردریا)، به فرمان همان حکمران فارسی‌زبان عربی‌ندان دودمان سامان، البته بعد از اتفاق بر سر اینکه ترجمه قرآن به فارسی جایز است، پدید آورده‌اند. در هفت مجلد و با ترتیبی خاص: اول ترجمه آیت‌های سوره و بعد تفسیر آن‌ها که سورتا به سورتا دسته‌ای هر قرآنی را هم شامل می‌شود. حال، بخشی را بخوانید از آنچه این نویسندگان در تفسیر ایات ۲۰ تا ۴۰ سوره «ص» نوشته‌اند که درباره حضرت سلیمان^(ع) است:

پس یکی از آن هر سه [شخص که در برابر حضرت سلیمان پدیدار شده بودند] به در سرای آمد و دستوری خواست و دستوری داد و آن درآمد و خوبشتر از بر نیکوترین صورتی بر او عرضه کرد و بر نیکوترین روحی، رویی از آن نیکو چنان بود که هرگز سلیمان - علیه السلام - روی از آن نیکوتر و خوبتر و زیباتر ندیده بود. پس سلیمان - علیه السلام - از او پرسید که "تو کیستی؟" گفت: "من حاتم - سلیمان - علیه السلام - هستم که" "سخن نیکو صورتی ای تو و نیکو خلق و نیکو روی و نیکو خوی و نیکو زان که گفتی: "گفتا: "چرا؟" گفت: "زندان است؛ از آنجا هرگز تو به این کار پیدا و پیوسته به اینها زندگی نمی کنی." پس او بیرون شد و این شخص دیگر دستوری خواست و آن درآمد، همچنان صورتی پاکیزه نیکو - سلیمان - علیه السلام - پرسید: "تو کیستی بدین زیبایی و نیکوی که خدای - عز و جل - تو را بدین زیبایی و نیکوی آفریده است؟" آن شخص گفت که "من مقلّم - سلیمان - علیه السلام - هستم که" "نیکو صورتی و نیکو خوی و نیکو خلقی، لیکن هرگز تو به این کار دار همیشه بر غم باشد و با صبر نباشد." پس آن شخص نیز بیرون شد و آن سه دیگر بیامد و دستوری خواست و آن درآمد و سلام کرد و سلیمان - علیه السلام - جواب داد و گفت که "تو کیستی؟" گفت: "من اومیدم - سلیمان - علیه السلام - هستم که" "چه نیکو صورتی ای و نیکو خلقی باید که پیوسته با من باشی و با من صحبت کنی و بترخ باد تو را که اندر جهان چون تو هیچ کس نیست؛ ازهر آنکه همه خلق به تو زندگانی کند و مرگ ایشان پیش از آن میان این هر سه اومید را برگزید که هرزوی پیشت من آمدی." و از میان این هر سه سلیمان را برگزید که اومید آنکه عالم، همه، بر او امید است،

سپس یکی از آن‌س که به در خانه آمد و اجازه خواست، سلیمان به او اجازه داد. آن‌کس تو آمد و خود را در زیبارین نمود و جانی به سلیمان نمانید. چه‌ره در زیبایی به‌گونه‌ای بود که سلیمان - در دور بر او - هیچ‌گاه چه‌راهی نیک‌ترو و نیک‌تر زیبارتار از آن ندیده بود. سپس سلیمان - در دور بر او - از او پرسید که «تو کیستی؟» گفت: «من جلم [شکیبایی] و «درباری» هستم.» سلیمان - در دور بر او - گفت که تو بسیار زیباپیکر و به‌آفرید و خوب چه‌ر و نیک‌سرشت و خوش اندامی، ولی هیچ سودی نداری؛ گفت: «چرا؟» گفت: «برای آنکه هر کس تو را به کار بگیرد همیشه اندوهگین خواهد زیست.» پس او بیرون رفت و آن دیگری اجازه خواست و تو آمد. این یکی هم سیمای پیراسته زیبایی داشت. سلیمان - در دور بر او - پرسید: «تو کیستی» به این زیبایی و خوبی که خدا - از جرمند و بزرگ است - تو را به این از زیبایی و خوبی آفریده است؟، آن‌کس گفت که «من عقل هستم.» سلیمان - در دور بر او - گفت که تو بسیار زیباپیکر و نیک‌سرشت و به‌آفریدی، ولی هر کس تو را به کار بگیرد همیشه دلگیر و چشم‌بهره و نگران خواهد بود.» پس آن‌کس هم بیرون رفت و سوومی آمد و اجازه خواست و تو آمد و درود گفت. سلیمان - در دور بر او - پاسخ داد و گفت که «تو کیستی؟» گفت: «من امیدم.» سلیمان - در دور بر او - گفت که «چه زیباپیکر و به‌آفریدی! باید همیشه در کنار من و هم‌مشین من باشی. خوشا تو که در جهان مانند تو هیچ کس نیست، برای آنکه همه آفریدگان با تو روزگاری می‌گذرانند و مرگ و زندگی همه‌شان با توست! باید هر روز پیش من بیایی.» از میان این‌س که امید را برگزید، برای آنکه جهان، یکسره، به‌امید برآست.

«ترجمه تفسیر طبری» (۷ ج.): ج. ۶. به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی. تهران: توس. چ. ۲. ۱۳۶۷. صص. ۱۵۶۶-۱۵۶۷.

زین قنڊیار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش ●

گاهی در زمان نوشتن به کلماتی برخورد می‌کنیم که با «ای» تمام می‌شوند و نیاز است که «ی نکره» به آن اضافه کنیم، مانند «ترکیب یونی ای» (اتم یا مولکول هایی که بار الکتریکی اضافه یا کم داشته باشند)؛ در چنین حالتی برای جلوگیری از سختی در خوانش و نگارش باید چه کار کنیم؟

● پاسخ

اگر واژه‌ای پایان یافته به «ی» باشد مانند «کشتی» و «یونی» و پس از آن نیز «ی» نکره بیاید، کشتی‌ای و یونی‌ای نوشته می‌شود.

#زین_قند_پارسی

خالق
«۱۹۸۴»
چگونه
اسطوره
شد؟

چهره روز
عنوان «اندیشه‌آوران: و میراث» که توسط ۲۸۵ صفحه منتشر شد، بر اساس اسامی تبدیل شدن نویسنده است. رادن در این کتاب اورول بر جسته‌ترین نویسنده حقیقی زمان نویس برجسته‌ترین نویسنده که بگویند بزرگ ترین این حال تأثیر او از زمان و حیرت انگیز است.

جنجالی نبوده یا کلمات و عباراتش در فرهنگ عوام و خواص نفوذ نکرده است؛ از «برادر بزرگ» و «دوگانه اندیشی» تا «فکر و گفتار نو» و «تأثیر و نفوذ اوج چمن است» که او را «برادر بزرگ همه و شنفکران» لقب داده اند. این کتاب ماجرای شگفت یک قصه دور و دراز را پیگیری می کند: سفری سراسر از مرگ یک نویسنده به سوی شهرت پایدار. آنچه مورد توجه نویسنده است، چگونگی استفاده مرده ای از جوارح او و «اورل» است. نویسنده به نهادهای غول آسا با شمایلی بار بار گونه «اورل» است. نویسنده در سراسر فصول این کتاب، بین «کار» و «اورل» از کار و اوقات می گذارد. این تمایز به روشنی در این مسئله معلوم می شود که هیچان رسانه ها در باره «اورل» و «نویسنده» چگونه تحت الشعاع تأثیر شدن او و «اورل» نویسنده

به او رول خار چشم و بلای جان، قرار گرفت
کتاب به دو قسمت تقسیم شده است: فصل های
اول بخش نخست به زندگی و نامه های او رول
می پردازد. صفحات بعد از آن درباره اسطوره و
میراث او بحث می کند و فصل های پایانی به
آمال نویسنده درباره «او رول، او رول من»
اختصاص دارد که در آن به گونه ای شخصی
درباره میراث او رول که نویسنده از او بار برده،
سخن گفته است. بخش نخست با شرح زندگی
خصوصی و دستاوردهای ادبی او رول آغاز شد
و به روشن کردن وجوه نامتعارف این دن کیشوت
انگلیسی، مجالات و مشاجرات دائمی او با یکی
از دوستان هم مدرسه ای کار، انتقال کمتر
توجه شده او از نویسنده ای که امروز به نام «اریک
بلر» به نثرنویسی نامدار به نام «جورج او رول» و

دوشاهکار داستانی سال‌های پایانی عمرش و دستاوردهایش در آثار غیرداستانی پرداخته است.

فصل های بخش دوم
وجوه گوناگون
شهرت فوق العاده و
میراث پرفرازونشیب
اورول را بررسی
می کنند.



مراسم بزرگداشت استاد اخلاق، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر طباطبائی، در مدرسه علمیه عالی نواب مشهد برگزار شد

مردم‌دار بود و مخلص

حمید محمدیان

مرحوم سید جعفر طباطبایی که روز ۱۸ آبان ماه امسال دارفانی را وداع گفت از سرآمدان حوزه علمیه مشهد بود. او متولد سال ۱۳۱۷ هجری قمری است.

از دوازده سالگی برای یادگیری علوم دینی به حوزه علمیه مشهد رفت. بعد از آن، برای ادامه تحصیل اولیاء هم و سپس به نجف اشرف عزیمت کرد. وی بیش از ۷۵ سال به تحصیل و تذهیب و تدريس پرداخته و ورزید. طریقی، اوسال هاهام جماعت مردم حضرت رضا (ع) را از این جهت مستقیم با مردم ارتباط داشت و از جهت دیگر در خانه‌اشی به روی مردم با بود و سعی می کرد، عبادی که می توانست مشکلات مردم را حل کند. حالاً بعد از چیزی حدود دهامه مجلس بزرگداشتی به حضور طلاب، شرکاء و علاقه مندان این عالم بزرگوار در محل مدرسه عالی نواب برگزار شد.

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت، با نام ماندگار مرحوم حجت الاسلام والمسلمین طباطبایی را نتیجه خالص و ساده زبستی بیان کرد و از گردگذاشت تبلیغ بیملان دین را دلسوزی، اخلاق مداری و مردم داری دانست. به گزارش شهرآرا، مراسم بزرگداشت استاد اخلاق، حجت الاسلام والمسلمین حاج سید جعفر طباطبایی، در مدرسه علمیه عالی نواب برگزار شد که حجت الاسلام والمسلمین عبدالفتاح نواب، در این برنامه با بیان اینکه محبوبیت آن مرحوم نتیجه اخلاص، صفا و ساده زبستی بود، نتیجه این ویژگی ماندگاری او را نام و خاطراتش دانسته و یادآور شد خدمات وی بیان کرد. نماینده ولی فقیه در امور حج

انتصاب اعضای هیئت علمی جشنواره «شعر فجر»

اعضای هیئت علمی هفدهمین جشنواره بین المللی شعر فجر با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، منصوب شدند. به گزارش «ایسنا»، محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در احکامی جداگانه، اعضای هیئت علمی هفدهمین جشنواره بین المللی شعر فجر را منصوب کرد. بر این اساس، رضا اسماعیلی، حسین اسرافیلی، علیرضا قزو، جواد محقق، حجت الاسلام و المسلمین محمد حسین انصاری نژاد، نغمه مستشار نظامی، حمید هنر جو،

انتصاب اعضای
هیئت علمی
جشنواره «شعر
فجر»

خبر

هیئت داوران ششمین جشنواره رسانه‌ای ابوذر خراسان رضوی اعلام شد

عبدال... گنجی، اکبر نصراله‌ای و مجتبی محمودی
مهماندوست، داوران بخش مکتوب این جشنواره
هستند. وی گفت: در میز ویدئو و صوت آقایان محسن
یزیدی، حسن خجسته باقرزاده، سیدشجاع الدین
منزوی و خانم آسیه شاه حسینی، همراه ما هستند.
فرجی با بیان اینکه داوران در میز هنر و رسانه،
داوری در سه قالب اینفوگرافی، صفحه‌آرایی و پوستر
را انجام می‌دهند، بیان کرد: آزاده قربانی، حامد
امامی و حامد مغروری داوران این بخش جشنواره
هستند. رئیس هیئت داوران ششمین جشنواره
رسانه‌ای اوبودر خراسان روزی درباره داوران بخش

رئیس هیئت داوران ششمین جشنواره رسانه‌ای ابودر خراسان رضوی داوران این جشنواره را اعلام کرد. به گزارش روابط عمومی ششمین جشنواره رسانه‌ای ابودر خراسان رضوی، مهدی طرکه‌دار، در دوره نهم جشنواره داوری به چهار بخش تخصصی تقسیم‌بندی شده است که در میزهای تخصصی با حضور داوران مختلف اتفاق می‌افتد. رئیس هیئت داوران ششمین جشنواره رسانه‌ای ابودر خراسان رضوی با بیان اینکه عنوان‌های میزهای تخصصی، مستند، صوت و ویدئو، هنر و رسانه و عکس است، گفت: «ما آقایان علیرضا کنابداری، مجید فکری،

عکاسی این جشنواره اظهار کرد: مهدی قربانی، امیر عناینی و حسن قائدی داوران بخش عکس نسنجمن جشنواره رسانه‌ای ابودر خراسان رضوی هستند. وی با تأکید بر اینکه ۱۷ ماهه آخرین مهلت آثاری است که این جشنواره است خاطرنشان کرد: آثار باید از اول مهر ۱۴۰۰ تا ۱۷ دی ۱۴۰۱ منتشر شده باشند. فرجی تشریح کرد: علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در قالب‌های گزارش (خبری / تحلیلی / تحقیقی)، مصاحبه، یادداشت و سرمقاله، تیترو، موشن گرافی، مستند، گزارش ویدئویی، پادکست، عکس (تک عکس / مجموعه

عکس) و در دو بخش ویژه برنامه سازی فضای مجازی و پرورنده ویژه رسانه ای ارسال کنند. رئیس هیئت داوران ششمین جشنواره رسانه ای ابوذر خراسان رضوی گفت: اهالی رسانه خراسان رضوی می توانند آثار خود را به دبیرخانه جشنواره به نشانی www.aboozarfestival.com ارسال کنند.

هشگراں درباره این داستان و علت یابی رفتار بان پهلوان ایران در برابر پسرش، تحلیل هایی نه می دهند: اول اینکه ممکن است رستم گرفتار یغی حرس برای محافظت از قدرت دینوی و بان پهلوانی خویش باشد؛ دوم اینکه شاید بد عنوان نماینده نسل پیر به پسر به عنوان نماینده نسل جوان حسادت کرده باشد؛ سوم اینکه چون اس این داستان بر تضادهای مختلفی از جمله داد ایران و توران، تضاد شاهی و پهلوانی، تضاد روستایی و شهری، تضادهای دیگر بنیان نهاده شده است، محتمل است مهم ترین نمود این تضاد نیز متعادل شدن پسر به دست پدرش باشد؛ چهارم اینکه تعامل دارد رستم پسرش را شناخته باشد اما برای اغراض ایران و جایگاه شاهی آرمانی ایرانی با او برخورد کرده و او را کشته است.

شاه ایران درباره آزادی خویش و ارزش مقام پهلوانی، «معرفی پهلوانان ایران و پرچم ویژه آن‌ها از سوی هجیر به سهراب، «آماده شدن رستم برای رویارویی با سهراب و اضطراب پهلوان‌ها برای این رویارویی، «دبدار و نبرد رستم و سهراب در دو روز، «کشته شدن سهراب به دست پدرش، «لحظه‌ای که رستم سهراب را می‌نماید، «درخواست نوشادرو از کیکاسو برای مداوای سهراب و پاسخ منفی شاه ایران به این درخواست، «سوگواری رستم برای سهراب، حوادث مهم این داستان هستند و در کنار بیت‌هایی حکیمانه‌ای که فردوسی در جای جای روایت خود سروده است، یکی از سرترک‌ترین آثار ادبی ایران و جهان را شکل داده‌اند.

پسر است و سهراب نام دارد و در نوجوانی به ایران لشگری می‌کشد تا پدرش رستم را بیابد و او را بر تخت شاهی بنشاند، اما حوادث این داستان پر پیچ و خم چنان رقم می‌خورد که رستم و سهراب یکدیگر را آشنا شدند و با هم بجنگند و سرانجام پسر به دست پدر کشته شود.

داستان «رستم و سهراب»، که بیش از هزار بیت از شاهنامه را به خود اختصاص داده، سرشار از صحنه‌های شگفت‌آور و مفاهیم بلند است و به بهترین شکل می‌تواند اندیشه حکیمانه و آزادمانده و هنر سخن‌سراییِ استادِ پردازِ فردوسی را نشان دهد. دیدار رستم با تهمنیه و ابرازِ عشقِ تهمنیه به رستم، «بدرِ سهراب» یا گردآفرید در مرز ایران، «سرخان شجاعانه رستم»

داستان است پر آب چشم
دل نازک از رستم آید به خشم

«رستم و سهراب» یکی از مشهورترین داستان‌های ایرانی است که در حماسه ملی ایران آمده است. تراژدی بسیار زیبا و تأثیرگذاری که بعد از هیچ یک از فارسی‌زبانان جهان دست‌کم یک در عرش آن را نشنیده یا نخواهد باشد. رستم به سمنگان می‌رود و اسبش را گم می‌کند و جست‌وجوی آن به دربار شاه سمنگان می‌رود و با عشق دختر شاه سمنگان یعنی «تهمینه» رو به روی می‌شود و با او ازدواج می‌کند و به سیستان بازمی‌گردد، اما پیش از ترک تهمینه مهره‌ای به او می‌دهد که اگر فرزندشان دختر بود آن را به گیسو او می‌بازد و اگر پسر بود به بازوی او ببندد، فرزندش

دکتر یوسف پینا